

بہ نام خدا

جیسا کہ نظرم فیلی موضوع مهمی بود بہ نظرم این کہ فیلی درست بود . البتہ بازم با این کہ سہ چہار بار خونندیم بازم حفظ نشدم . بہ چیری توی این مایہا بود کہ:

« وَقُلْ لِّلْعِبَادِ یَقُولُوا لِلّٰہِ إِنَّ السَّیْطَانَ

گفتن برای ہفدمین سورہ است . اسمش سورہ آنہ ۵۷

نصف دعوایا
اینجوری حرف
زدن کل میسہ

ولی بہ نگاہ بندازیم ، واقعا نصف دعوایا با اینجوری
حرف زدن کل میسہ میہ . اصلا ترکیبہ این آنہ میسہ
ہمین کہ : « (ای پیامبر) بہ بندگاتم بگو: سخنی بگویند کہ
است! چرا کہ بین آنها

فتنہ و می کند»

درست عین اون نمایش . حرف دوتا جادوگر ایکی بود ،
ولی ہمون حرف رو میسہ بہ چوری زد کہ اوضاع
فیلی تغییر کنہ . جادوگر اولیہ برگشت گفت : ہمہ
خانوادہ ی پاد شاہ میمیرہ . پاد شاہ ہم دستور داد :
اما ہمین حرف رو جادوگر دومیہ اینجوری زد کہ :

ہمون حرف رو
میسہ بہ چوری زد کہ
اوضاع فیلی تغییر کنہ

به نظرم یکدأ پیدا میشه جلوی خیللی از دعوها را
همینجوری گفت. ولی این که آدم بشینه فکر کنه چی بگه، خدای کار سختیه. خدا هم
که میگه اصلاً شیطان می پره وسط و بیشتر کار رو خراب می کنه.

خانم بعد از نمایش اومد گفت که شاید اصلاً این مدلی صرف زدن
بیشتر هم لذت بخش باشه. اصلاً آدم اینجوری خدای انداز که است.

به نظرم برای تمرین که کم کم این جور صرف بزنم، اول باید ببینم میشه اون صرف رو
به جور دیگه گفت تا افراد رو کمتر ناراحت کنه یا نه. یا حتی این کار رو بکنم که

گفتن به نظرمون ربط این آیه با موضوعی که گفتیم چیه. آخه خیللی دیگه معلومه. اولیش
این که بهترین صعبت شاید یعنی استفاده نکردن از کلمات و مفهومی هایی که بقیه
دوست ندارند بشنوند و دومیش هم

دوباره هم وقتی خواستم برگم رو بنارم

توی کیفتم، خانم

چپ چپ نگاهم کرد یعنی این که مگه

نگفتم بنار توی دفتر یا لاو.

استفاده نکردن از کلمات و

مفهوم هایی که

بقیه دوست ندارند بشنوند...

**** بماند به یادگار ****